

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۵

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۷

سال نوزدهم، شماره ۷۶، تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تحلیل صوفیان ریایی در هفت اورنگ جامی براساس نظریه کارکردهای نگرش در روانشناسی اجتماعی

فرانک جهانبخش^۱

مسروره مختاری^۲

عسکر صلاحی^۳

چکیده

نگرش‌ها، ارزیابی‌های نسبتاً پایداری از پدیده‌های مختلف جهان اجتماعی در ذهن افراد هستند. نظریه کارکردی نگرش، به واکاوی انگیزه‌های درونی انسان، علت ایجاد نگرش‌ها و نقش و کارکرد آن‌ها در ایجاد رفتارهای اجتماعی می‌پردازد. در مثنوی هفت اورنگ، بهره‌گیری شاعر از شیوه تمثیل - پردازی و استفاده از قالب حکایت، در غالب موارد به ظهور و بروز نگرش‌های جامی درباره مسائل فردی، بینافردی و اجتماعی کمک فراوانی کرده‌است. جستار حاضر با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی موضوع «صوفیان ریایی» را از منظر تحلیل شخصیت و رفتار آن‌ها، بر اساس نظریه کارکردهای نگرش مطالعه کرده‌است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که نگرش طبقات مختلف اجتماعی در برابر پدیده ریاکاری و نمود آن در دوران جامی با عنوان «صوفیان ریاکار» را می‌توان در قالب دو «کارکرد سودجویانه» و «کارکرد ارزش‌خواهانه» طبقه‌بندی کرد. همچنین نقش اوضاع و احوال سیاسی، فرهنگی، سنن و آداب و رسوم جامعه و نیز کارکرد عرفان در این زمینه قابل تأمل و بررسی است. با وجود ثبات نسبی در دیدگاه جامی، بررسی تناقض در نگرش با عنوان «ناهماهنگی شناختی» نیز، در هفت اورنگ جامی حائز اهمیت است که شاعر از دو رویکرد «توجیه نگرش» و «اقتدا به تقدیرگرایی» در این مؤلفه، بهره گرفته‌است.

واژگان کلیدی:

روانشناسی اجتماعی، نظریه کارکردهای نگرش، هفت اورنگ جامی، صوفیان ریایی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. نویسنده

مسئول: mmokhtari@uma.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

پیشگفتار

برخی از متون کلاسیک فارسی به دلیل برخورداری از ساختار روایی و حکایات و تمثیلات گوناگون و حضور تیپ‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی، برای پرداختن به مطالعات روانشناسی اجتماعی^۱ و بررسی نگرش‌های طبقات مختلف اجتماعی قابلیت بیشتری دارند. اهمیت نگرش در شکل‌گیری کنش‌ها و واکنش‌های افراد و تعاملات اجتماعی، نکته مهمی است که روانشناسی اجتماعی از ابتدای شکل‌گیری، تاکنون بر آن تأکید داشته و بدان پرداخته‌است؛ تا جایی که برخی همچون آلپورت^۲، بررسی نگرش‌ها را مهم‌ترین حوزه فعالیت روانشناسی اجتماعی دانسته‌اند. نگرش‌ها شکل-دهنده هویت اصلی افراد هستند و با شناخت آنها تا حد زیادی می‌توان رفتار مردم در موقعیت‌های مختلف را پیش‌بینی کرد. همچنین با بررسی نگرش‌ها در طیف‌های مختلف هر اجتماع، می‌توان به دید مناسبی از زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی آن جامعه دست‌یافت. براین اساس متون ادبی به دلیل ماهیت روایی آنها و حضور تیپ‌ها و شخصیت‌های گوناگون در آن، قابلیت بررسی نگرش‌های طبقات مختلف اجتماعی را فراهم کرده‌است. از آنجاکه بررسی متون ادبی با این رویکرد، آن‌چنان که شایسته است صورت نگرفته‌است، جستار حاضر هفت اورنگ جامی را از این منظر مطالعه کرده‌است.

بیان مسأله

اهمیت نگرش و نقش پررنگ آن در مناسبات اجتماعی، تا جایی است که بسیاری آن را محوری-ترین موضوع روانشناسی اجتماعی می‌دانند. نگرش‌ها، ارزیابی‌های کلی افراد از موضوعات مختلف است و موضوع آن طیف گسترده‌ای از امور عینی و محسوس تا انتزاعی را دربرمی‌گیرد. نگرش‌ها در زندگی فردی و بینافردی افراد نقش به‌سزایی دارند و زیربنای زندگی اجتماعی افراد را شکل می‌دهند. تمثیلات و حکایات داستانی به دلیل برخورداری از ایجاز و نیز روایت سوم شخص (دانای کل) در آن-ها، تا حدود زیادی نگرش راوی را در برخورد با مسائل مختلف بیان می‌کند. در این راستا «هفت اورنگ» جامی علاوه بر اشتغال بر منظومه‌های داستانی عاشقانه نمادین، مجموعه بزرگی از تعالیم عرفانی است که با تمثیل‌ها و حکایات انتقادی مختلف، موضوعات گوناگون اجتماعی را به شکل

1- Social Psychology

2 -Gordon Allport

نمادین با ظرافت خاصی به رشته تحریر درآورده است. از خلال بررسی حکایات و حکایت‌واره‌ها و تمثیل‌های موجود در این اثر، تا حدود زیادی می‌توان با نگرش شاعر آشنا شد. بر این اساس، در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به یکی از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی روزگار جامی که همانا پدیده «ریاکاری» و «تظاهر» بوده است و نگرش جامی و طبقات مختلف اجتماعی در برخورد با این پدیده، پرداخته شده و در اثنا این بررسی، چگونگی تغییر کارکرد نگرش‌های طبقات مختلف اجتماعی از جمله شیوخ خانقاه‌ها که مرجع تولید تخم معرفت و شناخت بودند و تبدیل آن به منبع درآمد دین‌فروشان، تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های انجام شده، درباره «تحلیل صوفیان ریایی در هفت اورنگ جامی با استفاده از نظریه کارکردهای نگرش» تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است، اما مقالاتی با عناوین «تحلیل نگرش شخصیت‌های یک داستان کوتاه براساس نظریه کارکردهای نگرش» از آرزو حیدری؛ «روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی» از شفیع کدکنی؛ «رفتارشناسی شخصیت‌های داستانک‌های عدل و دزد قالباق نوشته صادق چوبک بر اساس نظریات روانشناسی اجتماعی» از قاسم صحرائی؛ پایان‌نامه‌هایی با عناوین: «رویکرد روانشناسی اجتماعی در آثار مورخان قرن سوم هجری» از زهرا علویان؛ «بررسی و تحلیل محتوای مثنوی مولوی براساس مقوله‌های مطرح در روانشناسی اجتماعی» از ستاره سلمانی؛ «تحلیل داستان‌های کوتاه برگزیده سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از دیدگاه مؤلفه‌های روانشناسی اجتماعی» از سیده نجمه آذرنیا از جمله پژوهش‌هایی است که انجام شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «سیمای صوفی‌نمایان در آینه هفت اورنگ جامی» از فرزانه فروزانی، نیز در زمینه صوفیان ریاکار نوشته شده که از منظر ابعاد سیاسی و اجتماعی این حوزه را مورد بررسی قرار داده است اما در حوزه نظریه نگرش و کارکردهای آن در هفت اورنگ کار تحقیقی صورت نگرفته است.

مبانی نظری پژوهش

واژه «Attitude» که در فارسی با معادل‌های «طرز تلقی»، «گرایش» و «نگرش» شناخته می‌شود، در روانشناسی اجتماعی و از ابتدای شکل‌گیری این شاخه علمی، برای دهه‌ها مهمترین موضوع و مفهوم تلقی شده تا جایی که «برخی از جمله آلپورت و جونز^۱، روانشناسی اجتماعی را در حکم مطالعه علمی نگرش‌ها می‌دانند.» (سالاری فر، ۱۳۹۶: ۱۰۹)

تعریف و اهمیت نگرش

نگرش‌ها را می‌توان ارزیابی‌های مثبت و منفی افراد نسبت به امور و اشیاء و افراد دانست. در واقع نگرش‌ها را می‌توان واکنش‌های خودکار نسبت به محیط پیرامون در نظر گرفت. به عبارت دیگر «ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند.» (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۹۵) ویژگی‌های فردی، الگوهای فرهنگی و عوامل محیطی و اجتماعی از جمله عوامل مؤثر در تکوین و تغییر نگرش هستند. هر نگرش از سه ویژگی مشخص برخوردار است: هر نگرش به شخص یا اتفاق و یا موقعیتی خاص مربوط می‌شود. نگرش‌ها در غالب موارد ارزش‌یابانه هستند. همچنین اکثر نگرش‌ها از ثبات و دوام برخوردارند. در کنار این موارد باید اضافه کرد که اولویت نگرش‌ها از فردی به فرد دیگر ممکن است متفاوت باشد؛ بنابراین از این لحاظ ممکن است در جایگاه اصلی یا فرعی قرار بگیرند.

مؤلفه‌های نگرش

هر نگرش دارای سه مؤلفه شناختی^۱، عاطفی^۲ و رفتاری^۳ است. عنصر شناختی بیشتر در بردارنده باورها و عقاید افراد درباره موضوع نگرش است. مؤلفه عاطفی غالباً نتیجه عواطف و احساسات فرد درباره موضوع مورد نظر است. هرچقدر هیجانانگیز فردی بر ارزیابی اشخاص از موضوعات مورد نگرش بیشتر باشد، به همان نسبت نگرش فرد مبتنی بر احساسات خواهد بود. مؤلفه رفتاری شامل واکنش‌ها و رفتارهای اشخاص در برابر اتفاقات و وقایع مختلف است. هرچقدر شدت نگرشی در درون شخص بیشتر باشد، تمایلات وی به واکنش‌های رفتاری در برابر آن موضوع بیشتر خواهد بود. «مؤلفه‌های هر نگرش، اعم از اصلی و فرعی با یکدیگر تعامل دارند. هیچ رفتاری نیست که هر قدر هم عقلانی باشد، واجد عوامل عاطفی به عنوان محرک نباشد و نیز بالعکس نمی‌توان شاهد حالت عاطفی بود، مگر اینکه ادراک یا فهم - که ساخت شناختی آن حالت را تشکیل می‌دهد - در آن‌ها مداخله دارد.» (سالاری‌فر، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

1 -Cognitive element

2 -Emotional element

3 -Behavioral element

مؤلفه‌های نگرش

مؤلفه رفتاری

رویکرد واکنشی و رفتاری
افراد نسبت به موضوع
نگرش

مؤلفه عاطفی

رویکرد احساسی افراد
نسبت به موضوع

مؤلفه شناختی

مبتنی بر مجموعه
عقاید و باورهای افراد

عوامل مؤثر در تکوین نگرش

این عوامل را می‌توان به سه حوزه «شناختی»، «انگیزشی» و «ژنتیک» تقسیم کرد. در حوزه عوامل شناختی می‌توان گفت افراد طی سال‌های متمادی، نگرش خود را با انواع آموزش‌ها و تجربیات به‌دست می‌آورند. در این بخش یادگیری اجتماعی (شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی کنشی و مشاهده و تقلید) و نقش مقایسه‌های اجتماعی در کسب نگرش بسیار مؤثر هستند. در حوزه عوامل انگیزشی، منابع انگیزشی به دو بخش انگیزش فردی و انگیزش اجتماعی تقسیم می‌شود که در بخش اول نیازها و شخصیت افراد در ایجاد نگرش در آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع سهم بزرگی از شکل‌گیری نگرش در افراد به نیازهای افراد در شرایط خاص بستگی دارد. در حیطه انگیزش اجتماعی، وضعیت اقتصادی و فرهنگی افراد در تکوین و تغییر نگرش نقش اساسی دارد. میزان رفاه اقتصادی و یا بهره‌مندی از ثروت و یا فقر و وضعیت نامناسب اقتصادی، همچنین اعتقادات و اخلاقیات، زبان، دین، تعلیم و تربیت و نوع روابط اجتماعی همه در این امر نقش به‌سزایی دارند، اما در زمینه ژنتیک یا وراثت اگرچه تأثیر وراثت بر نگرش، مورد پذیرش همگی روانشناسان اجتماعی نیست، اما نتایج تحقیقاتی که بر دوقلوهای همسان انجام شده، نقش وراثت را در تکوین نگرش پررنگ‌تر نموده است. «یک احتمال این است که وراثت بر عوامل عام‌تری مثل هیجان‌خواهی و خلق و خوی مثبت یا منفی اثر بگذارد و از آن طریق در زندگی اجتماعی فرد حاضر شود.» (سالاری‌فر، ۱۳۹۶: ۱۲۳)

نظریه کارکردهای نگرش

هر فردی در حوزه‌های مختلف زندگی، دارای نگرش‌های متفاوت با کارکردهای ویژه است. روانشناسان اجتماعی برای نگرش‌ها، کارکردهای ویژه‌ای در نظر گرفته‌اند و هر نگرش را در خدمت یک یا چند کارکرد برمی‌شمارند. از جمله کسانی که در این زمینه دارای نظریه هستند می‌توان از کتز^۱

و بارون^۱ نام برد که کتز برای نگرش‌ها چهارکارکرد دانشی، ارزشی، انتفاعی و تدافعی قائل بود. بارون علاوه بر چهار مورد بالا کارکرد انگیزش برداشت نیز برای نگرش‌ها در نظر گرفته است.

کارکرد دانشی

نگرش‌ها با کمک به ما در تعبیر و تفسیر اطلاعات جدید و تحت تأثیر قرارداد پاسخ‌های گرایشی یا اجتنابی، کارکردی دانشی دارند. بدین ترتیب اطلاعاتی را که ضعیف است وقتی با نگرش‌های ما همخوان باشند، نیرومندتر درک می‌کنیم تا وقتی که آن اطلاعات با اطلاعات ما ناهمخوان باشند. در مجموع نگرش‌ها به ما امکان می‌دهند تا به سرعت به جهان اطراف خود معنی بدهیم. (بارون، برن و برنسکامپ، ۱۳۹۶: ۱۹۷)

کارکرد خود-دفاعی

این نوع کارکرد نگرش سبب می‌شود افراد از خود در برابر اطلاعات ناخواسته دفاع کنند. در واقع «نگرش‌ها می‌توانند با دادن امکان دفاع از دیدگاه خود به‌عنوان مشابه با دیگران و متفاوت نبودن از دیگران در خدمت کارکرد خود-دفاعی باشند.» (بارون، برن و برنسکامپ، ۱۳۹۶: ۲۰۲)

کارکرد ارزشی یا عزت نفسی

برخورداری از نگرش‌های خاص می‌تواند در افزایش عزت نفس به افراد بسیار تأثیرگذار باشد. این کارکرد با نظریه مقایسه اجتماعی که معتقد است این احساس که «بدانیم کار ما درست است»، احساس خوشایندی است، همخوان است. (بارون، برن و برنسکامپ، ۱۳۹۶: ۱۹۹) به عقیده کتز با بیان کردن این نگرش‌ها، افراد ارزش‌های اصلی همچون هویت اجتماعی، عدالت و عزت نفس را نشان می‌دهند.

کارکرد انتفاعی

افراد معمولاً نسبت به موضوعاتی نگرش مثبت پیدامی‌کنند که در برآوردن نیازهای آن‌ها یا حفظ او در برابر امور نامطلوب مؤثر باشند. در واقع «کارکردی که در خدمت دست یافتن به پاداش و اجتناب از تنبیه است، بر اساس طبقه‌بندی کتز، اغلب کارکرد سودگرا نامیده می‌شود.» (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۲۳)

کارکرد انگیزش برداشت

تمایل افراد به اینکه دیگران برداشت خوبی از آن‌ها در ذهن داشته باشند، با این کارکرد قابل شناسایی و بررسی است. «هرچه نگرش‌ها در خدمت کارکرد انگیزش برداشت باشند، بیشتر باعث می‌-

1 -Baron,Robert

شوند که افراد استدلال‌هایی را فرمول‌بندی کنند که از دیدگاه ابرازشده آنان حمایت‌کنند؛ بنابراین نگرش‌ها می‌توانند به ما امکان‌دهند تا چگونگی ادراک دیگران از خودمان را تنظیم‌کنیم.» (بارون، برن و برنسکامپ، ۱۳۹۶: ۲۰۱)

زاویه دید روایات و حکایات هفت‌اورنگ

زاویه دید راوی هفت اورنگ، سوم شخص (دانای کل) است. به عبارت دیگر «راوی قصه خود شاعر است که بر چگونگی وقایع احاطه کامل دارد و به‌عنوان دانای کل، جریان حوادث را هدایت می‌کند.» (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱۷۳) جامی با استفاده از این شگرد روایی، زمینه مناسبی را فراهم می‌کند تا با ارائه اطلاعات کامل و دقیق، مخاطب با دیدگاه و نیز نگرش تیپ‌ها و شخصیت‌های داستانی و به‌طور کلی خود شاعر آشنا شود.

بحث و بررسی

نورالدین عبدالرحمن جامی، ملقب به خاتم‌الشعرا، از شاعران و عارفان شهیر فارسی‌زبان سده نهم هجری است که از او کتب و رسالات متعددی از نظم و نثر به زبان فارسی و عربی بر جای مانده‌است. یکی از معروف‌ترین آثار او مثنوی هفت اورنگ است که در قالب هفت مثنوی جداگانه ارائه شده‌است. با بررسی تعدادی از حکایات و امثال داستانی در هفت اورنگ می‌توان کارکردهای نگرشی حاکم بر فضای داستانی و تمثیلی آن‌ها را در قالب دو کارکرد «ارزش‌خواهانه» و «سودجویانه یا انتفاعی» خلاصه کرد. در واقع در بخشی از فضای هفت اورنگ، با توصیف طایفه‌ای از صوفیان واقعی سروکار داریم که با ویژگی‌هایی همچون مداومت بر ذکر، سهر، صمت، جوع و عزلت سروکار دارند و در مقابل طایفه‌ای که متلبس به لباس صوفیان حقیقی هستند و کارکرد سودگرا و نفع شخصی و منافع دنیوی، آنان را خانقاه‌نشین کرده و در سلک صوفیان درآورده‌است. با بررسی هفت اورنگ مشخص شد که در ۹ داستان و حکایت، به ویژگی‌های صوفیان و صوفی‌نمایان پرداخته شده و نگرش‌های جامی به‌وضوح درباره این طایفه از مردمان روزگارش، قابل‌استنباط است.

تحلیل نگرش‌های ارزش‌خواهانه جامی

نمونه‌ها

اول: در دفتر اول سلسله‌الذهب، جامی در «مدمت آنان که به جهت اجتماع عوام و استجلاب منافع معاش از ایشان مجلس آریند» به ذکر ویژگی‌های شیوخ ریاکار خانقاه‌ها پرداخته و آنان را به انواع صفات نکوهیده از جمله کبر، ریاکاری، غفلت و ظاهرسازی منسوب کرده‌است:

می‌زند شیخ ما ز شور و شغب صیحه صبحگاه و هی هی شب...
 سر پر از کبر و دل پر از اعجاب روی در خلق و پشت بر محراب...
 چیست این شیخ ذکر می‌گوید لوث غفلت به ذکر می‌شوید
 او ز تحقیق دم زند اما رسم تقلید سازدش رسوا
 (جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۸۲)

نگاه منتقدانه جامی به اوضاع عصر و دیدگاه او نسبت به گروه صوفیان که خود نیز درسلک آنان است، با مشاهده کجروی‌های صوفی‌نمایان و وفور ریا و دغل در این رده سبب شده، در غالب کتاب هفت اورنگ، نگرش وی نسبت به این طایفه سرشار از شک و انکار باشد. او که در قالب ادب تعلیمی، از زاویه دید «سوم شخص دانای کل» برای بیان مسائل اجتماعی زمانه خود بهره‌برده، کاستی‌ها و ناروایی‌ها و مفاسد روزگار خویش را با لحنی سرزنش‌آمیز به تصویر کشیده است. از این رو می‌توان از نشانه‌های درون متن به لایه‌های ذهنی نگرش جامی پی برد. نگرش جامی به‌عنوان یک صوفی و عارف، برگرفته از آموزه‌های عرفانی عرفان اسلامی است. باورها، ارزش‌ها و باید و نبایدهایی که در سلوک راه عرفان بر سالک امر می‌شود، آنچنان در نگاه وی عمق یافته که در برابر مفاسد اجتماعی از ابزار زبان و قلم برای به‌تصویر کشیدن کژروی‌های ریاکاران استفاده می‌کند. از سوی دیگر دو مفهوم «نقش» و «نگرش» ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. «مفهوم نقش، تمایلات عاطفی پنهانی را در کنار فعالیت‌های آشکار دربرمی‌گیرد و این تمایلات نیز متقابلاً انجام کارهای دستوری توسط نقش را بااهمیت می‌سازد؛ بنابراین نگرش، چهره‌ای از نقش را می‌سازد که بیشتر شخصی و کمتر قابل‌کنترل است. نقش از سویی دربرگیرنده و بیانگر پاره‌ای از نگرش‌هاست و از سوی دیگر، نگرش از پیش شکل گرفته، می‌تواند گزینش‌های نقش فرد را سمت و سو دهد.» (روش بلا و نیون، ۱۳۹۲: ۱۲۲)

موضع‌گیری جامی به‌عنوان صوفی صفایافته و در عین حال آشنا به موازین عرفانی و اهل قلم، در نقش مصلح اجتماعی، به‌خوبی بیانگر نگرش‌های او در برابر نزول فرهنگی و اجتماعی حاکم بر دوران اوست. مؤلفه شناختی نگرش جامی نسبت به صوفیان ریاکار (باورها، ارزش‌ها و نبایدها) در حکایت اول را می‌توان:

- خواندن اوراد صبحگاهی از جانب کاذبان، درحالی‌که سر پر از کبر و دل پر از عجب است.
- روی در خلق و پشت بر محراب بودن
- هیاهو و گردآوردن جماعتی به دور خود
- جلب توجه و ریاکاری و توجه طلبی از سوی حکام زمانه
- تقلید نادرست از صوفیان واقعی و نادرستی اعمال شیوخ ریاکار

- مست بودن شیوخ ریاکار از شراب غرور

مؤلفه‌های شناختی جامی و باورها و عقایدش، دنیای درونی او و تعبیر و تفسیرش را از زمانه خود، به‌خوبی نشان می‌دهد. اجزای این مؤلفه، در خدمت کارکرد دانشی نگرش وی هستند. همچنین در این شعر، مؤلفه‌های عاطفی و واکنش‌های احساسی نیز نقش پررنگی در نگرش جامی دارند. به عبارت دیگر ارزیابی وی از رفتار شیوخ ریایی و جماعتی که حول چنین تفکری جمع شده‌اند، نیز در خدمت ابعاد عاطفی کارکرد ارزشی نگرش جامی هستند. لحن پر از خشم و نکوهش جامی و کاربرد الفاظ سرزنش‌آمیزی همچون مردک (کاربرد کاف تصغیر که نشانه تحقیر چنین تفکری است و نیز اشاره مستقیم او به «تقلید» این طایفه و ظاهرسازی آنان) نمایانگر بعد عاطفی نگرش اوست. می‌توان گفت «روساخت حکایت‌های جامی را برخورد و تعارض خوبی‌ها و بدی‌ها و تقابل آدم‌های خیر و اشخاص شرور تشکیل می‌دهند. به نوعی جامی با ایجاد تعارض بین این دو قطب در پی اشاعه اصول انسانی و اخلاقی و دینی و عدالت اجتماعی می‌باشد.» (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۸) مؤلفه‌های رفتاری نگرش جامی نیز منطبق با مؤلفه‌های شناختی و عاطفی او، با اعلام انزجار و دوری‌گزینی و استفاده از ابزار قلم در جهت رسوایی چنین اندیشه‌ای است. جامی جابه‌جا در هفت اورنگ در وصف ریاکاران و موافقان چنین اعتقادی، داد سر داده و از این اندیشه و پیروان چنین تفکری براثت جسته است. نگاه جامی به معضلات اجتماعی زمانه خود از جمله وفور صوفیان ریاکار و دغل‌اندیش، همراه با دستگاه عریض و طویل خانقاه‌هایی که موجب خود را از حاکمان زمانه دریافت می‌کنند تا در جهت منافع این اشخاص گام بردارند، در غالب اوقات با انزجار ازین ریاکاری همراه است. چنین نگرشی در مقیاس کارکردهای نگرش، مبتنی بر کارکرد ارزشی و بیان ارزش‌هاست. این کارکرد نگرش در تبیین ارزش-های اصلی فرد مثل هویت اجتماعی، مخالفت با ریا و تبعیض، اعتقاد به برقراری عدالت و مواردی ازین دست نقش اساسی دارد.

دوم: نمود دیگری از نگرش جامی نسبت به صوفیان ریاکار را در «بیان فرق میان رقص ارباب نقص و حال اهل کمال» شاهد هستیم. دراین تمثیل جامی بعد از ذکر تفاوت‌های سماع واقعی و ناقص اهل نقص، به توصیف ویژگی‌های مصلحت‌اندیشانه و اتمام ارادی سماع و برخوان نشستن این طایفه و کنش و واکنش‌های این افراد به دور سفره‌ای که اجزایش یک‌به‌یک با انواع ستم‌ها و ظلم‌ها به-دست آمده، می‌پردازد:

چون به وقتی که مصلحت بینند	صوفیان از سماع بنشینند
خادم مطبخ آورد به میان	بهر اطعام قوم، سفره و خوان
سفره‌ای از حرام مالا مال	همه چیزی در او به غیر حلال
نانش از گندمی که شحنه شهر	از فقیران ده گرفته به قهر...

خود به حرمت از آنچه کردم فاش صد ره افزون دگر حوائج آش...

(جامی، پیشین: ۸۴)

در این بخش جامی که خود در قالب صوفی، با معضلات زمانه خویش آشناست، در برابر دنیای ریاکاری و عوام‌فریبی کذابان زمانه خویش، یک به یک به ذکر ویژگی‌های آنان می‌پردازد. مؤلفه شناختی نگرش جامی نسبت به صوفیان ریاکار (باورها، ارزش‌ها و بایدها و نبایدها) در حکایت دوم:

- حرام‌خواری و دستبرد زدن به اموال رعیت

- شکم‌بارگی

- بهره‌مندی از حوائج دیوانی و جیره‌خواری از طریق حکام

- اعتقاد به تمایل هرکس به رجوع به اصل و اساس خویش (تمثیل باز و جغد)

مؤلفه‌های شناختی نگرش جامی در این بخش که آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌های فردی است، در جهت کارکرد دانشی نگرش او یعنی تعبیر و تفسیر اطلاعات جدید هستند. او با نمایان شدن ریا و نفاق آشکار موجود در منابر صوفیان ریاکار، به تفسیر جدید و متفاوتی از شیوع نفاق در میان مردمان روزگار خود دست یافته‌است. نوع نگاه ارزیابانه جامی از رفتار مردمان و گروه‌های اجتماعی زمانه و انزجار و حساسیت وی نسبت به ناهنجاری‌های موجود، نیز برخاسته از مؤلفه عاطفی نگرش اوست. از این رو مؤلفه‌ها و عناصر عاطفی نیز از جایگاه مهمی در نگرش وی برخوردارند و نگرش او را در جهت کارکرد ارزشی قرار می‌دهند. لحن خشک، جدی و گاه سرشار از انزجار وی از صوفیان ریاکار و نیز طبقه حاکمان ظالم و مردمان زودباوری که گرد این جماعت جمع آمده‌اند، همگی ناشی از بعد عاطفی نگرش اوست. اعتقاد جامی مبنی بر حقیقت عرفان و لزوم راستی و درستی در سلوک این راه، سبب شده برای درونی کردن ارزش‌های گروهی تصوف حقیقی، به بازنمایی صفات پلید صوفیان ظاهرپرست و سودجو دست‌بزند. در واقع کارکرد ارزشی نگرش جامی در این بخش در مسیر تبیین ارزش‌های اصلی و واقعی او قرار گرفته‌اند. به تعبیر دیگر نگرش جامی در برابر کارکردهای سودجویانه طایفه‌ای از صوفیان قرار گرفته که نفع شخصی و کسب منافع مادی را در برابر ارزش‌های والای طبقه خود قرار داده‌اند. باورهای جامی در اندیشه وی، آنچنان ثبات یافته که هرگونه تخطی از آن به شدت منع می‌شود. باید گفت «باورها جنبه کلی‌تری نسبت به عقاید دارند. آن‌ها دنیای فرد را می‌سازند و به او ثبات نظر و عقیده می‌دهند. مجموعه مطالبی که فرد درباره یک موضوع خاص می‌داند و همه قضایایی که برای او معنایی ندارد و همچنین همه موضوعاتی که فرد فکرمی‌کند واقعیت دارند، باور فرد را تشکیل می‌دهند. در مفهوم وسیع‌تر باورها دربرگیرنده شناخت‌ها و دانسته‌ها، عقاید یا آیین‌ها است.» (روش بلا و نیون، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

سوم: همچنین در سبحةالابرار در عقد هفتم «توصیف تصوف و ویژگی‌های آن که بستن دست تصرف است» چنین گفته:

ای که به صوفیگری آوازه بلند	کرده زین شغل به آوازه پسند
دل چو خم چند بر آوازه نهی	ناید آوازه جز از خم تهی
چون دهد کوس برون بانگ ز پوست	بانگ او شاهد بی مغزی اوست
نیستی صوفی از این نام چه سود	دعوی پختگی از خام چه سود

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۹۱)

این بخش مؤلفه شناختی نگرش جامی را به خوبی به نمایش می‌گذارد. «عنوان بخش» بیانیه‌ای است برای مخاطب، که حقیقت تصوف و صوفی‌گری را در دست شستن از تعلقات و تصرفات دانسته و گام اول ورود به سلک صوفیان را وارستگی و رهایی قلمداد کرده است. وی بعد از ذکر صفات صوفیانی که به دغل، جامه صوف به تن کرده و ملبس به لباس صوفیان گشته‌اند، به ذکر صفات صوفیان حقیقی پرداخته است:

صوفی آنست که از خود رسته است	ز نکو جسته و از بد رسته است
بند هستی و ز هستی ساده	زاده کون و ز کون آزاده
با اضافت ز اضافت بیرون	در مسافت ز مسافت بیرون
در مکان نی و مکان از وی پر	در زمان نی و زمان از وی پر...
ننه ز ادوار در او تاثیر	ننه در اطوار ازو تغییری

(همان: ۵۹۱)

مؤلفه شناختی نگرش جامی درباره صوفیان (باورها، ارزش‌ها و بایدها و نبایدها) در حکایت سوم - حقیقت تصوف و صوفی‌گری در دست شستن از تعلقات و تصرفات است - گام اول ورود به سلک صوفیان را وارستگی و رهایی قلمداد کرده است - و در نهایت کل ابیات بالا در وصف صوفیان واقعی بیانگر مؤلفه شناختی جامی است. نکته‌ای که درباره نگرش‌های جامی باید بدان توجه نمود، لزوم وجود ایمان قلبی در نگرش اوست. «می‌توان ایمان را نوعی نگرش دانست که دارای سه مؤلفه «عقیده و شناخت»، «تعلق و گرایش عاطفی» و «آمادگی رفتاری و یا گاه خود رفتار و عمل» است. پیامبر(ص) فرمودند: ایمان عبارت است از معرفت قلبی و اقرار زبانی و عمل با اعضاست. رکن درونی ایمان ترکیبی از مؤلفه شناختی و مؤلفه

عاطفی و انگیزشی است. رکن بیرونی آن نیز به زمینه‌های رفتاری بازمی‌گردد. (سالاری فر، ۱۳۹۶: ۱۱۳) نگرش ایمانی سبب جهت‌دهی به بسیاری از باورها و اعتقادات اصلی انسان‌هاست و در ذات خود سبب ایجاد آرامش، بردباری و نیز قدرت تشخیص درست از نادرست می‌شود که شباهت فراوانی با کارکرد ارزیابانه نگرش‌ها دارد.

چهارم: در «مذمت صوفی‌نمایان ظاهرآرای و معنی‌گزاران صورت‌پیرای» در تظاهر این طایفه ریاکار و صفات آنان چنین گفته:

حذر از صوفیان شهر و دیار همه نامردم‌اند و مردم‌خوار
هرچه دادی به دستشان خوردند هرچه آمد زدستشان کردند
کارشان غیر خواب و خوردن نی هیچشان فکر روز مردن نی

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۸۹)

اغلب افراد نگرش‌های خود را طی سالیان متمادی و از طرق متفاوتی از جمله آموزش فرامی‌گیرند. نوع آموزش عرفانی نیز از طریق ممارست‌های گوناگون و ریاضت و مداومت بر ذکر و صوم و صمت بوده و توصیه آکید بر کم‌خوابی و کم‌خوری، درحالی‌که بنا بر نگرش جامی، در زمانه او نه‌تنها خلاف جهت آموزه‌های عرفانی حرکت می‌شده، بلکه ورود به این وادی همراه با حيله‌گری و شیادی و جلب توجه مردمان و کسب منافع دنیایی بوده‌است؛ از این رو در نگرش جامی، لزوم رسوانمودن ریاکاران و برحذرداشتن صوفیان از همراهی با این طایفه نقش اساسی داشته‌است. به‌همین دلیل می‌توان گفت مؤلفه‌های عاطفی و هیجانی، وزنه سنگینی در تکوین دیدگاه و نگرش جامی داشته‌است. مؤلفه‌های شناختی جامی در این بخش نیز، بر بایدها و نبایدهای عرفانی و لزوم رعایت این باورها و عقاید تأکید دارد. درحقیقت تمامیت ظرفیت نگرشی جامی در خدمت کارکردهای ارزشی وی قرار گرفته‌است. کارکردی که در تقابل اصلی با کارکردهای سودجویانه افرادی است که در برابر آموزه‌های اصلی نگرش جامی قرار گرفته‌اند.

پنجم: جامی در مقاله یازدهم تحفه‌الاحرار در ذکر نشانه‌های صوفیان واقعی چنین آورده‌است:

شیوه صوفی چه بود، نیستی چند تو بر هستی خود ایستی
گم شو ازین هستی پر اُشْتُلْم بلکه شو از گم‌شدگی نیز گم
ناشده از خویش تُهی همچو نی دم زدنت زانکه نه‌یی تا به کی..
نی چه بود آن که به دستان خویش دم‌زنند جز ز نیستان خویش

(همان: ۵۲۳)

کارکردهای ارزشی نگرش جامی در غالب موارد بر درونی کردن ارزش‌ها و موازینی که وی در چارچوب عرفان به آن‌ها دست یافته، متمرکز شده‌اند. یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد و تکوین نگرش در افراد، ویژگی‌های فردی است. می‌توان گفت نگرش‌های هر فرد به نوعی انعکاسی از درونیات و شخصیت اوست. عناصر عاطفی و احساسی در نگرش جامی در غالب کتاب هفت اورنگ به شیوه‌ای پررنگ دیده می‌شود. او در قالب فردی مسلط بر مضامین قرآنی و مفاهیم عرفانی، از کج‌روی‌ها و سوء-استفاده‌هایی که در طیف وسیعی از اجتماع وی از چهره عرفان و صوفی‌گری می‌شد، پرده برمی‌داشت. حساسیت او در برابر دردهای اجتماعی و جهل و انحرافات اخلاقی جامعه، وی را بر آن داشته تا در جای‌جای هفت اورنگ ازین نامردمی‌ها با لحنی ستیهنده و سرکوب‌گر، داد سخن دهد و هیچ طیفی از آشکارگری‌های وی در امان نباشد. این روحیه جامی از منظر کارکردهای نگرش، منطبق بر کارکرد ارزشی و نیازهای برتر و ابراز ارزش‌هاست. او برخلاف معاصرینش، نسبت به مفاسد اجتماعی روزگار خود حساس است و با زبانی تیز و آتشین، معایب آنان را آشکار می‌کند. در این حکایت نیز همچون موارد گذشته، جامی صوفیان ریاکار زمانه خود را بر مبنای کارکرد سودجویانه معرفی کرده‌است. وی از یک سو میزان و معیار عارفان واقعی را صمت و تواضع معرفی نموده و از سوی دیگر تناقض آشکار موجود در رفتار و اعمال چنین افرادی را به تصویر کشیده‌است.

ششم: جامی در عقد دهم سبجه‌الابرار نیز در «کشف سرور» که کاسر سورت حرص و طمع است» به توصیف ورع به‌عنوان ویژگی مثبت صوفیان حقیقی و نیز حرص و طمع ریاکاران پرداخته است و در نهایت صوفیان ریاکاری را که در راه به دام انداختن ساده‌دلان در جهت تأمین معاش و سفره‌آراستن به هر حيله‌ای دست می‌زنند، با لحنی خشن و کلامی درشت خطاب قرار می‌دهد:

این نه صوفی‌گری و درویشی ست	نام‌مسلمانی و کافرکیشی ست
نفس را حلقه حلقوم بُری	به که این زقه زقوم خوری
دزدی و راهزنی بهتر ازین	کفن از مرده کنی بهتر از این
چندروزی گم بی‌دردان گیر	پی پیران و جوانمردان گیر
بین که مردان چه ریاضت بردند	تا درین مرحله پای افشردند

(همان: ۶۰۲)

نکته مهم در نگرش جامی، لزوم به تصویر کشیدن این تقابل نگرشی میان کاذبان و راستان در مسیر صوفی‌گری است. از آنجا که نگاه جامی در خلق هفت اورنگ، نگاهی آموزشی و تعلیمی است، در هر بخش که مورد تحلیل قرار گرفت، سعی او برای رساندن مقصود خود به مخاطب در غالب موارد با

برانگیختن حس انزجار از نگرشی است که سودجویی و ریاکاری و نفاق، مشخصه اصلی آن در شکل-گیری و تداوم حیاتش است.

هفتم: در عقد سی و چهارم سبحة‌الابرار «در سماع که از خود گذشتن است و آستین بر خلق افشاندن» جامی به ذکر سماع و ویژگی‌های آن می‌پردازد. در این بخش که با مطلع «ای درین خوابگه بی‌خبران بی‌خبر خفته چو کوران و کران» آغاز می‌شود، با ذکر بیداری و هوشیاری همه اجزای جهان از پرندگان تا نغمه عود و چنگ، دعوت می‌کند از بیخبران تا با نغمه خوش‌آهنگ جهان همراه شوند:

سنگ بر شیشه ناموس انداز چاک در خرقه سالوس انداز...

همه ذرات جهان در رقصند رو نهاده به کمال از نقصند

تو هم از نقص قدم نه به کمال دامن‌افشان ز سر جاه و جلال

(همان: ۶۷۵)

در این بخش با دعوت جامی از طبقه صوفیان مواجهیم که به نوعی با ارائه پیام و استدلال از کائنات و هستی همراه است. او در ادامه با تمثیل «حکایت صوفی و اعرابی که غلام وی به حسن حدی شتران وی را هلاک کرده بود» به ذکر ویژگی‌های سماع واقعی صوفی می‌پردازد. مؤلفه شناختی جامی و باورهای وی بر حول محور کارکرد ارزش‌محوری و اصول اخلاقی استوار است. تمثیل‌های داستانی وی بر منع سودجویی و منفعت‌طلبی و «از خودگذشتن» متمرکز شده و «صوفی صافی بودن» در نظر او چیزی جز محو شدن در ذات حقیقت نیست.

تحلیل نگرش‌های مبتنی بر کارکردهای سودجویانه

در برابر نگرش ارزش‌خواهانه جامی در هفت اورنگ، نگرش طبقه‌ای از مردمان روزگار او از جمله صوفیان ریایی و هم‌نشینان آن‌ها و عمال حکومتی که برای برخورداری از منافع دنیایی، از خانقاه‌نشینان حمایت می‌کنند، در غالب موارد مبتنی بر کارکردهای انتفاعی است. در هفت‌اورنگ با چنین نگرشی به گونه‌ای تداوم‌آمیز در سطوح مختلف جامعه از بالادستان تا زیردستان مواجهیم که نتیجه آن را به صورت حکایات تمثیلی شاهد هستیم. در این میان نقش خانقاه‌ها به عنوان رسانه‌های فرهنگی زمانه خود که در جهت تهذیب اخلاقی و روحی اعضای خود شکل گرفته‌اند، با کارکردی ناقص و متناقض با چارچوب‌های اولیه خود، پررنگ‌تر می‌نماید. این مراکز، رواج ریا و دورویی و منفعت‌طلبی را بردست گرفته‌اند و بهره‌برداری ابزاری از فقر مردمان عصر جامی در جهت اجتماع و گردآمدن همسو با منافع شیوخ فاسد زمان خود را به محور اصلی اهداف خود تبدیل کرده‌اند. گردآوردن مردمان ساده و خام در این خانقاه‌ها و بهره‌برداری‌های متعدد مالی و ارتقای مقام و منصب از جمله منافع سودجویانه نگرش‌های مشایخ و صوفیان ریاکار خانقاه‌هاست.

از سوی دیگر در تبیین نگرش‌های افراد، نباید از پیامدهای غرق‌شدن فرد در گروه نیز غافل شد. توجه جامی به تیپ‌های داستانی و ارائه آن‌ها به جای شخصیت‌پردازی، بر اهمیت طبقه اجتماعی به جای فردیت افراد در ذهنیت جامی تأکید دارد. فرد با غرق‌شدن در گروه و ارزش‌های گروهی، بسیاری از ارزش‌های فردی را از دست می‌دهد. «استغراق شخص در جماعت، چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل می‌شود. این فرایند لزوماً نتیجه تصمیم خود شخص نیست، بلکه اقتضای طبیعت جماعت است.» (کوئن، ۱۳۷۸: ۳۲۸) حضور گروهی صوفیان در خانقاه‌ها و انجام دادن اعمالی به تبعیت از جمع نیز بر واکنش‌های رفتاری از سوی آنان تأثیر به‌سزایی داشته است. به عقیده گوستاو لوبون «افراد چه وضع زندگی و کاروبار و خلق و خوی و هوششان شبیه هم باشد و چه نباشد، همین‌که به انبوهی مبدل‌شدند، نوعی روح جمعی در آنان پیدا می‌شود. این روح وادارشان می‌کند طوری احساس، فکر و عمل کنند که با احساس و فکر و عمل آن‌ها هنگامی که تنها هستند، فرق دارد. در واقع بعضی از عقاید و احساسات تنها در افرادی که به‌صورت انبوه خلق و گروه درآمده‌اند، پدید می‌آید و به عمل مبدل می‌شود.» (کلاین‌برگ، ۱۳۸۷: ۵۷۹) لوبون عقیده داشت سه دلیل احساس قدرت «شکست‌ناپذیری»، «سرایت و تقلید» و «تلقین‌پذیری» از جمله علل اصلی پدیده «رفتار انبوه خلق» است. نتیجه چنین نگرشی، شکل‌گیری طبقه‌ای از صوفیان ریاکار است که نگاه منفعت‌طلب و سودجو در غالب رفتارهای آنان سریان داشته و با زیرپا گذاشتن اصول اخلاقی، سبب خروج عرفان و صوفی‌گری از مسیر صحیح خود شده‌اند. علاوه بر این در تکوین و همچنین در تغییر نگرش افراد در طول زندگی، عوامل متنوعی تأثیر دارند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد یکی از دلایل اصلی در کسب نگرش آنهاست. برخورداری از رفاه مادی یا محرومیت‌های اقتصادی، جامعه‌دچار آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و هرج‌ومرج‌های سیاسی هر کدام می‌توانند در نوع نگرش افراد به جهان پیرامون خود مؤثر باشند. بر این مبنا یکی از کارکردهای نگرش، کارکرد منفعت‌طلبانه یا سودجویانه است. نگاه سودجو از هر موضوع و پدیده‌ای، برای کسب امتیاز شخصی بهره‌برداری می‌کند. شعائر و نمادهای مذهبی و نیز خانقاه‌های صوفیان نیز یکی از مواردی است که دست‌آویزی جهت بهره‌برداری‌های سیاسی و شخصی بوده و ازین‌رو همواره محل انتقاد کسانی است که در جبهه مقابل این نگرش قرار دارند. نکته‌ای که باید بدان توجه نمود، این است که معمولاً کارکرد انتفاعی در نگرش همه افراد اجتماع تا حدود زیادی وجود دارد و ریشه بسیاری از رویدادهای اجتماعی در گرو شناخت نگرش سودجویانه افراد است؛ اما غلبه چنین نگرشی بر جامعه تا حدود زیادی به انحرافات اجتماعی و بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از قدرت‌طلبی و منفعت‌طلبی دامن‌خواهد زد؛ از این‌رو نقش جامی را به‌عنوان کسی که خود برآمده از تعلیمات عرفانی و نگرش‌های ایمانی است در تبیین و روشنگری و تغییر نگرش‌های مخرب به‌خوبی می‌توان درک کرد.

تغییر نگرش

نگرش‌ها با وجود ثبات و دوام نسبی در بسیاری از موارد قابل تغییر و یا افزایش یا کاهش شدت و حدت آن هستند. نکته مهم درباره نگرش این است که «فرایندهای مربوط به شکل‌گیری نگرش و تغییر آن اغلب اوقات همپوشانی دارند و به‌سختی می‌توان آن‌ها را از همدیگر تفکیک کرد. هر فرایندی که افراد از طریق آن نسبت به موضوعی جدید، نگرشی پیدامی‌کنند، ممکن است در تغییر نگرش‌های آنان نیز به همان اندازه نقش داشته‌باشد.» (بونر و وانک، ۱۳۹۰: ۹۷) در غالب موارد تغییر نگرش را در دو حوزه دسته‌بندی می‌کنند: تغییر در نگرش‌های فرد و تغییر در نگرش‌های دیگران. تغییر نگرش دیگران، از طریق «متقاعدسازی» صورت می‌گیرد و تغییر نگرش در حوزه شخصی، در قالب «نظریه ناهماهنگی-شناختی» قابل بررسی است:

متقاعدسازی^۱

آنچه جامی را به‌عنوان یک صوفی و پیرو مسلک صوفیان به انتقاد از جامعه و روزگار خویش کشانده است، نابه‌سامانی‌های اجتماعی و ظهور ریاکاران و وفور ظلم و بیداد و پیوستن جمع کثیری از ظاهرپرستان در کسوت صوفی و بی‌اعتبار نمودن ارزش‌های واقعی عرفان است. نگاه جامی در هفت اورنگ به بی‌رسمی‌های زمانه خویش، نگاه مصلح اجتماعی است که سعی دارد در نگرش‌های نامناسب مردمانی که رفتارشان، پیامدی جز تباهی نام عرفان و صوفی‌گری نبوده است، تغییر ایجاد کند. شاعر با استفاده از حکایات تمثیلی نابه‌سامانی‌های روزگار را به‌درستی به تصویر کشیده و از این راه به رفع نگرش‌های منفی در لایه‌های زیرین اجتماع کمک کرده است.

کاربرد متقاعدسازی از طریق زبان و فرایندهای زبانی و تمثیل، در ادبیات ایران از قدمت طولانی برخوردار است. به‌طور کلی «متقاعدسازی به فرایند تغییر نگرش اطلاق می‌شود. اولین مدل توصیفی مستدل و مجاب‌کننده در خصوص متقاعدسازی بر فرایندهای شناختی متمرکز است که در پس‌زمینه تغییر نگرش قرار دارد. فرایندهایی شامل پردازش نظام‌مند محتوای پیام و همچنین فرایند استفاده از قواعد ساده رهنمودی در خصوص نشانه‌هایی در پیام و یا در حول و حوش دریافت‌کنندگان پیام، به‌ویژه هنگامی که توانایی یا انگیزه کمی برای نگاهی نزدیک‌تر و توجهی دقیق به پیام دارند، تمایل خاصی برای به‌کارگیری قواعد آسان‌ساز رهنمودی از خود نشان می‌دهند.» (بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۴۷) نکته قابل‌توجه این است که نحوه شکل‌گیری نگرش‌های افراد نیز در چگونگی تغییر آن تأثیر بسیاری دارد. «هنگامی که نگرش‌های اولیه افراد، عمدتاً به‌صورت هیجانی شکل می‌گیرد، بعدها با استدلال‌های هیجانی بیشتر متقاعد خواهند شد و هنگامی که نگرش‌های اولیه آن‌ها بیشتر از طریق

منطقی شکل می‌گیرد، بعدها با استدلال‌های عقلانی بیشتر متقاعد می‌شوند.» (مایرز، ۱۳۹۲: ج ۲، ۳۵۲) در شاهد مثال‌هایی که در حکایات بالا ذکر شد، جامی بعد از هر مقالت، تمثیلی مناسب مقام آورده و از این طریق، به تفهیم و تبیین و تغییر نگرش مخاطبینش از طریق اقناع و متقاعدسازی اقدام کرده‌است. تمثیل «این عنصرخیال‌انگیز گاهی در شکل حکایت ارائه می‌شود و در این صورت، علاوه بر بعد زیباسازی، به تحلیل و تأویل متن نیز می‌پردازد و اندیشه‌ای انتزاعی را برای مخاطب خود محسوس و قابل دریافت می‌گرداند.» (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۸۰: ۱) برای مثال:

باز سازد ز قصر شه‌خانه جغد پرد به کنج ویرانه

میل هرکس به سوی مسکن اوست روی هر مرغ در نشیمن اوست

(جامی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۸۴)

در این تمثیل، جامی بعد از آوردن مثال‌هایی درباره تفاوت باز و جغد، به تفاوت کذابان عرفان و راستان این راه پرداخته‌است و در نهایت سرانجام هرکدام را طی تمثیلی بیان نموده‌است. این تمثیل‌ها محصول اندیشه شاعر است، اما شکل‌گیری آن در قالب قصه‌ای است که اغلب هنرمند در بروز و ظهور آن دخالتی نداشته و تنها در ارائه پیام خود از آن بهره‌گرفته‌است و البته تأثیر تعلیم شاعر در سایه زمینه ادبی و هنری کلام یعنی داستان‌گویی او چند برابر شده‌است.» (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۸۰: ۱۷۸) نکته‌ای که در ارائه پیام و متقاعدسازی باید بدان توجه نمود، علاوه بر خود پیام و منبع پیام، نحوه ارائه آن در میان مخاطبان است. این مورد که در متقاعدسازی، نخستین بار در دانشگاه ییل با نام «روی آورد ییل» بدان پرداخته شده، بر «این سوالات متمرکز است که چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی و با چه سطحی از تأثیر می‌گوید؟» (سالاری‌فر، ۱۳۹۶: ۱۳۲) در هفت اورنگ با داستان شاعری برخوردار می‌کنیم که قصیده غراً به حضرت شاه می‌فرستد، اما به دلیل ارائه نامناسب مقبول واقع نمی‌شود:

در سخن واجب است حسن بیان حق ازان گفت رتّل القرآن

خواندش چون به آخر انجامید وز ادای سخن بیارامید

داشت شاعر به اهل مجلس گوش که به تحسین او کنند خروش

هیچ کس دم‌نزد زبان نگشاد داد تحسین آن قصیده نداد

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۱۰)

ایجاد هیجان در مخاطب نیز می‌تواند در تغییر نگرش او مؤثر باشد. این هیجان می‌تواند ترس یا اشتیاق شدید را دربرگیرد. روش دیگر جامی در تغییر نگرش مردمان، استفاده از ابزار تحذیر و

تحریض است تا بدین وسیله نگاه مردمان جامعه خویش را به مسائل مورد نظر تغییر دهد. اشاره به پیامدهای منفی و مثبت دنیوی و اخروی نگرش و رفتارهای متناسب با آن در تربیت اسلامی اهمیت فراوانی دارد. برای مثال در «تحریض و تحریض برپاس داشتن انفس و منع و زجر از تضييع و اهمال آن» که در آن همچون سایر فرایض عرفانی نسبت به نگاه داشت و حرمت نفس تأکید داشته و ضمن تمثیل حرمت مهمان و اهمیت پاس داشتن آن، نسبت نفس را به انسان همچون مهمان محترم دانسته - است:

هر نفس نورسیده مهمانی ست پاس او دار اگر تو را جانی ست
واجب آمد به موجب اسلام حسب مقدر، ضیف را اِکرام
خاصه اکرام این گرامی ضیف که بود حیف، غفلت از وی حیف
جهد آن کن کزین نشیمن آز به از آن کامده ست گرددباز
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۷۴)

سپس از طریق انذار و ترساندن سعی در مجاب کردن مخاطب در همراه شدن با نگرش او دارد:

ور ز قُبْح خصال و سوءفعال نَهی آنجا ز جهل، سنگ و سُفال
کشد آن سنگ، تخت تو ز ادبار تحت نار و قودها الاحجار
وان سفالت به سیفل سازد جا دَرَکِ آسَفَلت کُنْد مأوا
(همان: ۱۷۵)

نگرش‌ها، زیربنای عقلی و منطقی عقاید و باورها را تشکیل می‌دهد. اگر نگرش تمایلی است به انجام کارهای مناسب یا نامناسب نسبت به موضوعی خارجی، عقیده نمود بیرونی آن است. (روش بلا و نیون، ۱۳۹۲: ۱۲۳) جامی در مقام یک صوفی، با بهره‌مندی از نگرش‌هایی که برخاسته از تعالیم صوفیانه است، عقایدی سخت نسبت به آن دارد. نکته دیگر در شیوه اقناع جامی، استفاده همزمان وی از پیام‌های یک‌طرفه و دوطرفه است. «پیامی یک طرفه است که در آن فقط استدلال‌های فرد جهت متقاعد کردن دیگران مطرح شده‌باشد. ولی در پیام دو طرفه از استدلال‌های مخالف نیز استفاده و سعی می‌شود این استدلال‌ها رد شوند.» (فرانزوی، ۱۳۹۷: ۱۶۴) از آنجا که در هفت اورنگ برداشت و نگرش جامی از زمانه خود و طبقات مختلف مردمان روزگارش انعکاس یافته‌است، با این وجود جامی در عین روایت، به استدلال‌های مختلف جامعه و نیز دلایل خود در برابر آن‌ها می‌پردازد.

تکرار پیام که در هفت اورنگ نمونه آن فراوان است نیز، یکی از راه‌های افزایش قدرت اقناعی پیام است. در حقیقت تکرار، سبب افزایش علاقه‌مندی به پیام مورد نظر می‌شود. شگرد جامی برای

جلوگیری از دلزدگی مخاطب از تکرار مفاهیمی که از نگرش وی نشأت می‌گیرد، تکرار توأم با تغییر است. «تکرار توأم با تغییر از فنون مقابله با اثر کهنگی پیام است. در این فن، اطلاعات تکرار می‌شود ولی قالب پیام تغییر می‌یابد.» (همان: ۱۶۸) جامی مفهوم مشترک صداقت در مسیر عرفان و دوری از خودخواهی و دنیاخواهی را بارها در قالب تمثیل‌های گوناگون و از طریق کاربردهای زبانی مختلف بیان کرده‌است اما در هر مورد مفهوم تکراری و مشترک، سبب دلزدگی مخاطب نمی‌شود.

نکته مهمی که در بررسی متون عرفانی از طریق روانشناسی اجتماعی باید به آن اشاره کرد، ویژگی و توصیه‌های مطرح در فرهنگ اسلامی در تغییر نگرش مخاطبان است. آموزه‌های دینی، علاوه بر تکرار و استفاده از پیام و استدلال در تغییر نگرش مخاطبان، بر «الگودهی» که مبتنی بر مشاهده است، تأکید داشته‌اند. جامی در هفت اورنگ ضمن انتقاد از نگرش‌های نادرست معاصرینش، با برشمردن الگوهای مناسب از فرهنگ دینی-اسلامی و ذکر ویژگی‌های الگوهای مطرح‌شده در تکوین و ایجاد گرایش جدید همسو با گرایش‌های خود تلاش کرده‌است.

نظریه ناهماهنگی شناختی^۱

یکی از مؤلفه‌های مرتبط با نگرش، مبحث «ناماهنگی شناختی» است. «وقتی افراد بین مواضع نگرشی گوناگون خود ناهماهنگی احساس می‌کنند و زمانی که رفتارشان با نگرشی که دارند، همخوانی ندارد، این به معنای آن است که ناهماهنگی شناختی دارند.» (بارون، برن و جانسون ۱۳۸۹: ۲۴۸) یکی از موارد ناهماهنگی شناختی در هفت اورنگ را در قالب تمثیلی که جامی برای بیان علت پرداختنش به شعر و شاعری آورده‌است، شاهد هستیم:

شاعری گرچه دلپذیرم نیست	طرفه حالی کز آن گریزم نیست
نکته الشعیر قـدیوکل	و یذم در عرب شده‌ست مثل
مضرب آن مثل منم امروز	بهر خویش آن مثل زنم امروز
می‌کنم عیب شعر و می‌گویم	می‌زنم طعن مُشک و می‌بویم...
چه کنم در سرشت من اینست	وز ازل سرنوشت من اینست

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۲۷)

ناماهنگی شناختی، فرآیند ناهماهنگی میان رفتار و نگرش فرد است. برای کاستن از این حس، افراد به تغییر نگرش یا «کسب اطلاعات جدیدتر» در تأیید رفتارشان و یا «ناچیزشمردن ناهماهنگی

1 – Theory of Cognitive dissonance

موجود میان رفتار و نگرش» دست‌می‌زنند. جامی در این شعر از طریق جبرانکاری امور و مقلد دانستن سرنوشت، خود را در آزمودن عرصه شعر و شاعری مجبور دانسته و ناهماهنگی شکل‌گرفته را توجیه کرده‌است. «به‌هرحال زمانی که افراد آسان‌ترین یا در دسترس‌ترین راه را در جهت کاهش ناهماهنگی برگزیدند، شیوه‌های دیگر را نادیده‌خواهند گرفت.» (بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۳۹)

نتیجه گیری

آثار ادبی به منزله نموداری از اجتماع، منبع موثقی برای مطالعات روانشناسی اجتماعی و بررسی نگرش افراد جامعه است. کارکرد بسیاری از نگرش‌های غالب در هر جامعه را می‌توان از خلال بررسی متون و آثار ادبی آن، بررسی و تحلیل کرد. هفت اورنگ جامی با بهره‌گیری از حکایات و حکایت‌واره‌های فراوان و طرح مباحث گوناگون مرتبط با زمانه خود، تا حدود زیادی توانسته‌است نگرش‌های شاعر و جو حاکم بر زمانه وی را به‌نمایش بگذارد. بررسی این اثر بیانگر، نگرش جامی درباره صوفیان ریاکار و صوفی‌نمایان و مردمانی است که حول محور این کذابان گرد آمده‌اند و نمایانگر دو سوگیری متفاوت، نسبت به این طبقه از صوفیان است. در این اثر از یک‌سو کارکرد سودجویانه بر نگرش بسیاری از مردمان و حکام جامعه غالب است و از سوی دیگر کارکرد ارزشی، نسبت به تصوف و وارد شدن در سلک صوفیان و عارفان واقعی و پذیرش و درونی کردن ارزش‌های آنان در محور نگرش جامی قرار دارد. جامی برای تغییر نگرش اطرافیانش، از قالب تمثیل و حکایات تمثیلی بهره گرفته‌است. فضای حاکم بر روایات و حکایات هفت اورنگ، در غالب موارد از نگرش‌های ارزش‌خواهانه جامی نشأت گرفته‌است. نگرشی که عنصر شناختی یعنی بایدها و نبایدها، باورها و اعتقادات و ارزش‌های یک فرد در شکل‌گیری آن نقش به‌سزایی دارند. نگاه تعلیمی جامی در هفت اورنگ سبب شده القای ارزش‌های مورد تأیید وی و الزام مخاطب به پیروی از آن، دو نگرش مخالف یکدیگر به‌وجود آورد، اول نگرشی که جامی از آن حمایت می‌کند و نگرش بعدی از آن کسانی است که مورد انکار جامی و هم‌کیشان وی‌اند. توجه جامی در حکایات به جای «شخصیت» بر ارائه «تیپ‌ها» که نماد طبقه یا ویژگی گروه خاصی از مردم است، نشان‌دهنده نقش پررنگ «گروه» و کارکردهای گروه و طبقه خاصی از مردم اجتماع در نگرش اوست. او در هفت اورنگ انتقاد خود را بر طبقات مختلف اجتماعی و نمایندگان هر صنف که در رأس امور هستند، استوار کرده‌است. طبقه صوفیان ریاکار نیز که در رأس آن‌ها شیوخ فاسد و پیران دغل‌کار قرار دارند، نمونه‌ای از این موارد است. از دیدگاه جامی، افراد به همان میزان که از اجتماع خویش متأثر هستند، به همان میزان نیز توانایی آن را دارند که بر محیط پیرامون خویش تأثیر بگذارند. تأکید او در هفت اورنگ بر لزوم رفتارهای مناسب از قبیل نوع-دوستی، مسئولیت اجتماعی، مبارزه با تظاهر، دین‌داری و... برخاسته از ارزش‌هایی است که وی، خود را در قبال گسترش آن‌ها در جامعه مسئول می‌داند؛ از این‌رو با نمادهای چنین نگرشی از صوفی و عارف تا حاکمان و حتی مردمان کوچک و بازار با نگاهی کنش‌گر و تأثیرگذار برخورد می‌کند و در جای مناسب با هریک از آن‌ها به فراخور حال سخن می‌گوید و رفتارهای آنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

منابع و مأخذ

- ۱) بارون، رابرت؛ برن، دان؛ و جانسون، بلرتی (۱۳۸۹) *روانشناسی اجتماعی*، مترجم علی تحصیلی، تهران: کتاب آمه.
- ۲) بارون، رابرت؛ بیرن، دان؛ و برنسکامپ، نایلا (۱۳۹۶) *روانشناسی اجتماعی*، مترجم دکتر یوسف کریمی تهران: روان.
- ۳) بونر، جرد؛ وانک، مایکل (۱۳۹۰) *نگرش و تغییر نگرش*، جواد طهوریان، تهران: رشد.
- ۴) جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۷) *مثنوی هفت‌اورنگ*، تحقیق و تصحیح جابلقا دادعلیشا و دیگران، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- ۵) خلیلی جهان‌تیغ، مریم (۱۳۸۰) *ساخت حکایات تمثیلی در هفت اورنگ جامی*، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی، اسفند ۱۳۸۰.
- ۶) روش بلاو، ادیل نیون (۱۳۹۲) *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه سیدمحمد دادگران، تهران: مروارید.
- ۷) سالاری‌فر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۶) *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۸) صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ هاشمی، سیدرضا (۱۳۸۱). «گروه‌های مرجع در جامعه-شناسی و روانشناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صفحات ۱۶۸-۱۶۷.
- ۹) فرانزوی، استفن. ال (۱۳۹۷) *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، منصور قنادان، تهران: رسا.
- ۱۰) کلاین‌برگ، اتو (۱۳۸۷) *روانشناسی اجتماعی* مترجم علی محمد کاردان، تهران: فردوس.
- ۱۱) کریمی، یوسف (۱۳۸۸) *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)* تهران: ارسباران.
- ۱۲) کوئن، بروس (۱۳۸۷) *مبانی جامعه‌شناسی*، مترجم غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

- ۱۳) گلاور، جان ای؛ برونینگ، راجر اچ (۱۳۸۵) روانشناسی تربیتی، مترجم علینقی خرازی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۱۴) مایرز، دیوید. (۱۳۹۲). روانشناسی اجتماعی، مترجم حمید شمسی پور، شقایق زهرایی، تهران: ارجمند.
- ۱۵) محمدی، برات (۱۳۹۰) «اسلوب حکایت‌پردازی در هفت اورنگ جامی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، س ۴، ش ۴. صص ۳۳۲-۳۱۳.

Investigation of Hypocritical Sufis in Jami's Haft Owrang using Functional Attitude Theory in Social Psychology

Faranak Jahanbakhsh¹, Masroureh mokhtari^{2*}, Askar Salahi³
PhD student, Persian language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili,
Ardabil, Iran

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of
Literature and Foreign Languages, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil,
Iran.*Corresponding Author, mmokhtari@uma.ac.ir

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of
Literature and Foreign Languages, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Abstract

Attitudes are relatively stable assessments of various phenomena in the social world in people's minds. Functional Attitude Theory examines the inner motivations of human beings, the cause of attitudes and their role and function in creating social behaviors. In Haft Owrang poetry, the poet's use of allegory and the narrative format, in most cases, has contributed greatly to the emergence of Jami's views on individual, interpersonal and social issues. The present article has studied the subject of "Hypocritical Sufis" from the perspective of analyzing their personality and behavior based on Functional Attitude Theory using analytical-descriptive method. The result of the research shows that the attitude of different social classes towards the phenomenon of hypocrisy and its manifestation in the Jami's age as "Hypocritical Sufis" can be classified into two "profit-seeking" and "value-seeking" functions. Also, the role of political and cultural conditions, traditions and customs of society, as well as the function of mysticism can be considered in this field. Despite the relative stability of Jami's view, the study of the contradiction in attitude as "cognitive inconsistency" is also important in Jami's Haft Owrang, where the poet has implemented the two approaches of "attitude justification" and "following destinism" in this component.

Keywords:

Social Psychology, Functional Attitude Theory, Jami's Haft Owrang,
Hypocritical Sufis.